



نقش صلح در تثبیت و تقویت کرامت و هویت بشری و انعکاس آن در نقاشی‌های دوران انقلاب مشروطه

محسن رحمتی^۱، علی اکبر گرجی اذندریانی^۲ ID*، علی بهادر جهرمی^۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه حقوق عمومی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران، duti۲@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران، mr۴۱۹۱۳۴۲@gmail.com

^۳ استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

مقوله صلح را باید یکی از مقولات مهم در حیطه حقوق بین‌الملل و حتی حقوق داخلی کشورها دانست که در اسناد آموزش حقوق بشری جایگاه خاصی دارد و تحقق مصادیق آموزش حقوق بشری و شناسایی و عینیت یافتن آنها به معنای پیش شرط‌های تحقق صلح است. حمایت از آموزش حقوق بشری یکی از ملزومات جهان امروز می‌باشد که در این بین، حق بر صلح از اهمیت خاصی برخوردار بوده و از سوی بسیاری از مجامع بین‌المللی و حتی ملی دارای جایگاه خاصی می‌باشد. با توجه به نیاز روزافزون امروز بشر به زندگی در صلح و آرامش و اساس این حق برای برخورداری از سایر حقوق چون: توسعه پایدار؛ کمک‌های بشر دوستانه و غیره، بررسی و بحث در رابطه با مقوله صلح و وظایف دولت در قبال آن از ضروریات به شمار آمده که در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که ضرورت صلح در سطوح ملی و بین‌المللی در حفظ حقوق و کرامت بشری است. این تلاش‌ها در نقاشی‌های دوران انقلاب مشروطه نیز قابل مشاهده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی وظایف دولت در راستای تضمین حق بر صلح و رعایت حقوق شهروندان.

۲. بررسی صلح و حقوق بشر در نقاشی‌های دوران انقلاب مشروطه.

سؤالات پژوهش:

۱. دولت‌های چه نقشی می‌توانند در ایجاد صلح و حفظ کرامت انسانی دارند؟

۲. در نقاشی‌های دوران مشروطه چه مقوله‌هایی از حقوق بشر وجود دارد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۴

دوره ۱۸

صفحه ۱۷۴ الی ۱۹۰

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۱۷

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۵/۲۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

هویت بشری،

صلح،

دوران مشروطه،

هنر.

ارجاع به این مقاله

رحمتی، محسن، گرجی اذندریانی،

جهرمی، علی بهادر. (۱۴۰۰). نقش

صلح در تثبیت و تقویت کرامت و هویت

بشری و انعکاس آن در نقاشی‌های

دوران انقلاب مشروطه، هنر اسلامی،

۱۸ (۴۴)، شماره صفحه



[dori.net/dor/20.1001.1
1735708.1400.18.44.127](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1400.18.44.127)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2020.247153.1330](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.247153.1330)

مقدمه

مدیریت زندگی جمعی، از زمان شکل‌گیری نخستین جوامع بشری از دغدغه‌های انسان بوده است که ابتدا در سایه رهبری و احد و سپس با اتکای به ایجاد دولت‌ها و نهادها، تلاش‌ها برای دستیابی به این مهم افزایش یافته است. شکل‌گیری نظریات نظام‌مند در زمینه آموزش حقوق بشری را می‌توان به قبل از قرن ۱۷ میلادی نسبت داد که طی گذشت سالیان توسعه یافته است. در این راستا، لاک به عنوان پایه‌گذار نظریه جدید آموزش حقوق بشری، بر این امر تاکید داشته که نوع بشر دارای حقوقی مشخص بوده و دولت‌ها اجازه نقض آنها را ندارند (سابین و همکاران، ۱۹۷۳: ۵۲۸). این حقوق جزو حقوق فطری افراد به شمار آمده و قبل از تشکیل جوامع مدنی و ایجاد قراردادهای اجتماعی که فرد حق اعمال و اجرای این حقوق طبیعی را به دولت واگذار می‌نماید، به صورت حقوق فردی وجود داشته‌اند (کوجیمنز، ۱۹۹۰: ۳۱۷) بر این پایه، تمامی انسان‌ها به دولتی قدرتمند برای هدایت و رهبری نیازمند می‌باشند (هایز، ۱۳۸۳: ۲۹۵) و لذا، دولت‌ها وظیفه منفعت رساندن به افراد را دارند و فرد وسیله‌ای برای منفعت دولت به شمار نمی‌آید (کوجیمنز، ۱۹۹۰: ۳۱۹) البته، با پیدایش نظریه آموزش حقوق بشری و درج آن در متون قانونی، مبانی آموزش حقوق بشری نیز در دو بعد میزان حمایت از حقوق انسان‌ها و همچنین، چگونگی عملکرد این حقوق توسعه یافته است (دنترز، ۱۹۹۲: ۷۵)، به طوری که، مبانی آموزش حقوق بشری جدیدی را برای افراد در نظر گرفته که براساس نیازهای در حال تغییر و فزاینده انسان‌ها بوده و موجب پویایی و توسعه آموزش حقوق بشری می‌شود. در این بین، ایده نسل سوم آموزش حقوق بشری را باید به عنوان دسته جدیدی از آموزش حقوق بشری به شمار آورد که توسط برخی از صاحب نظران در این حیطه مطرح شده و مشتمل بر حقوقی چون: حق بر صلح؛ حق بر توسعه؛ حق بر محیط زیست سالم و غیره می‌باشد (کوجیمنز، ۱۹۹۰: ۳۱۵). مقوله حق بر صلح و تضمین آن یکی از مبانی اصلی نسل سوم آموزش حقوق بشری است که در ادامه این نوشتار به بررسی وظایف دولت در قبال آن خواهیم پرداخت. در جامعه ایران از دوره قاجار و در جریان انقلاب مشروطه تلاش‌هایی برای ایجاد تحول در ساختاری سیاسی و به موازات آن حفظ حقوق و کرامت انسانی انجام گردید. این تحولات در برخی هنرهای این دوره تداوم یافته است لذا بررسی این مسئله و انعکاس آن در نقاشی‌های این دوره می‌توان نکاتی را درباره تحولات این دوره آشکار سازد.

درخصوص موضوع پژوهش حاضر تاکنون اثر مستقلی به رشته تحریر درنیامده است. در این راستا، محقق بر آن است تا به بررسی مسئله حق بر صلح و وظایف دولت در تضمین آن پرداخته و این مهم را به طور مبسوطی در حیطه بحث و بررسی قرار دهد و لذا، به این سوال پاسخ دهد که آیا دولت با احترام و حمایت از حقوق و امنیت شهروندان می‌تواند حق بر صلح آنها را تضمین کند؟ نکته دیگر این که مسئله حقوق بشر و صلح چه بازتابی در نقاشی‌های دوره قاجار داشته است. با توجه به اهمیت حق بر صلح و لزوم تضمین آن، می‌توان هدف اصلی این نوشتار را بررسی و کنکاش در

حیطه وظایف دولت در احترام به آموزش حقوق بشری و تضمین حق بر صلح دانست که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

۱. اهمیت حقوق بشر و صلح

حفظ برادری و همبستگی یکی از ملزومات آموزش حقوق بشری می باشد که در نسل سوم آموزش حقوق بشری مورد توجه بوده و یکی از حقوق مهم آن، حق بر صلح است (مهر پور، ۱۳۸۳: ۲۳۰). دستیابی به صلح یکی از بالاترین آمال بشری است و نه تنها حقی انسانیست؛ بلکه، شرطی برای اعمال حق انسانی و پیش شرطی برای سایر حقوق به شمار می‌آید. در این راستا، منشور سازمان ملل متحد بر ممنوعیت توسل به زور تاکید داشته (ماده ۱ و بند ۴ از ماده ۲ منشور ملل متحد مصوب ۱۹۴۵) و حفظ صلح و امنیت را به عنوان نخستین هدف در تحقق آموزش حقوق بشری عنوان کرده است. (الستون، ۱۹۸۴: ۶۵) احترام به آموزش حقوق بشری و آزادی های اساسی به عنوان ابزاری در جهت تحقق صلح، (اپس، ۱۹۹۸: ۱۵) سبب شده است تا اصطلاح "حق صلح" توسط کمیسیون آموزش حقوق بشری و مجمع عمومی سازمان ملل از جایگاه خاصی برخوردار گردد (مهر پور، ۱۳۸۳: ۳۳۰).

با این تفاسیر، آموزش حقوق بشری را باید حق برخورداری نوع بشر از صلح، امنیت و عدم تعارض و حقی بنیادی در چارچوب تحقق تمامی آموزش حقوق بشری دانست (پومرانز، ۲۰۱۱: ۱۳۸) که با صلح مرتبط می‌باشد. به طوری که، جنگ نه تنها به انکار سیستماتیک حقوق مدنی و سیاسی افراد منجر می‌شود؛ بلکه، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (فرسیس، ۱۹۹۳: ۹۸؛ داگلاس، ۲۰۰۳: ۱۲۱) و لذا، حمایت دولت‌ها از صلح در تمامی عرصه‌های قانونگذاری، نظارتی، اجرایی و قضایی را می‌طلبد. در این بین، قانونگذار ایران نیز بر لزوم حمایت و احترام به صلح و تاکید داشته که نیاز به بحث و بررسی مبسوطی دارد.

۲. نقاشی در دوره انقلاب مشروطه

نقاشی ایران در دوره مشروطه وارد مرحله‌ای جدید از نظر فرم و مضمون شد. آرمانهای عصر مشروطه فرصتی برای تحول نقاشی فراهم ساخت. پیش از این، سرخوردگی شاه که ناشی از عقب ماندگی ایران به تجدد آمرانه و در پی آن، تجدد هنری منجر شد. ولی هنر نقاشی با عوامل درباری خود و با فرم واقع‌گرایانه جدید، همچنان در پی مشروعیت بخشی و نمایش قدرت شاهانه بود. در حالی که روشنفکرانی همچون میرزا آقاخان کرمانی از رئالیسم و هنر متعهد سخن میگفتند، نظام نقاشی نتوانست محتوایی اجتماعی، براساس خودآگاهی عصر مشروطه را به درون خود راه دهد. گرچه به واسطه رسانه‌ها آگاهی بصری افزایش یافت ولی نه محدودیت‌های فرهنگی جامعه اجازه انتقال آشکار هنرمند از دربار به سمت مخالفان را می‌داد و نه نهاد آزادی خواه خود به اندازه کافی قوامی یافته بود. کمال‌الملک نقاش این دوره مسیر عبور به دنیای مدرن را نه لزوماً در تغییرات بزرگ بلکه در ساخت و جست و جوی مصداق‌ها و نتایج بازر مدرنیته دنبال می‌کرد. در ساخت تصاویر واقع‌گرایانه از مردم عادی، تصویرسازی از خرافه‌پرستی و زنان و پوشش آنها

به چشم می‌خورد (افلکی سورشجانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۱). علاوه بر این سبک در این دوره تاریخی شاهد رشد انواعی دیگر از نقاشی نیز بوده‌ایم.

در این دوره تاریخی، نقاشی قهوه‌خانه‌ای شکل گرفت. نقاشی قهوه‌خانه‌ای، مکتبی از نقاشی روایی رنگ و روغنی است که در اواخر حکومت قاجار و جنبش مشروطه با موضوعات رزمی، بزمی و مذهبی به دست هنرمندانی مکتب ندیده در قهوه‌خانه‌ها شکل گرفت. تحولات مختلف اجتماعی و سیاسی دوره قاجار باعث ایجاد بستر جدیدی در عرصه هنر ایران شد. با سرکوب آزادی‌خواهی مردم توسط این حکومت استبدادی، انقلاب مشروطیت سبب اجتماع و جنبش مردمی در قهوه‌خانه‌ها شد و این جریان باعث می‌شود بر روی پرده‌های نقاشی قهوه‌خانه‌ای تأثیر بسزایی بگذارد چراکه قهوه‌خانه‌ها به عنوان یکی از پایگاه‌های مهم اجتماع مردم در دوره قاجار بودند. بدین ترتیب جریان نقاشی قهوه‌خانه‌ای در دوران مشروطیت، حرکتی ضد استبدادی و انتقادی علیه حکومت قاجار بوده و محتوای گفتمان درون قهوه‌خانه‌ها در این دوران بر موضوعات نقاشی‌ها تأثیر به‌سزایی گذاشته که با جریان مشروطیت هم راستا می‌شود (زارع و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۳). بدین ترتیب نقاشی این دوره فریادی در راستای دستیابی عدالخواهی و آزادی بوده است.

۳. آموزش حقوق بشری و جایگاه حق بر صلح در آن

آموزش حقوق بشری مفهومی بین‌المللی است که دارای ابعاد گسترده‌ای بوده و در طول تاریخ دستخوش تغییرات و تحولات بسیاری شده است. در این بین، مفهوم حق بر صلح یکی از مفاهیم مهم در حیطه حقوق عمومی می‌باشد که در سطح بین‌المللی و داخلی کشورها از جایگاه خاصی برخوردار بوده و نیازمند به توجه هرچه بیشتر صاحب‌نظران در این حیطه می‌باشد. از این رو، در این قسمت به بررسی آموزش حقوق بشری و جایگاه حق بر صلح در آن خواهیم پرداخت.

نسل اول آموزش حقوق بشری را باید اولین تلاش سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در راستای توجه به حقوق انسان‌ها دانست که عموماً حقوق مدنی و سیاسی را مورد توجه قرار داده و بر پایه اصل آزادی انسان و بهره‌مندی از حقوق اساسی شکل گرفته است. با توسعه هرچه بیشتر حقوق مذکور، حقوق اجتماعی و اقتصادی در رابطه با برابری انسان‌ها از بهره‌مندی از حقوق اقتصادی نیز وارد ادبیات آموزش حقوق بشری شد که به عنوان نسل دوم آموزش حقوق بشری نامگذاری شده‌اند (واساک، ۱۹۷۸: ۴۴۵). ریشه‌پیدایش نسل دوم آموزش حقوق بشری به سخنرانی رئیس‌جمهور آمریکا طی جنگ جهانی دوم بازگشته که یکی از آزادی‌های چهارگانه افراد را رهایی از احتیاج و نیاز دانسته است و برخی حقوق اقتصادی و اجتماعی چون: حق تامین اجتماعی، کار و سطح مناسب زندگی نیز در این دسته از حقوق جای گرفته‌اند (اعلامه جهانی آموزش حقوق بشری مصوب ۱۹۴۸). البته، از نظر برخی از صاحب‌نظران، هرچند که با نهادن نسل اول آموزش حقوق بشری به عرصه حقوق بین‌الملل را می‌توان مربوط به تدوین اعلامیه جهانی آموزش حقوق بشری در ۱۹۴۸ دانست؛ اما، حقوق مربوط به نسل دوم آموزش حقوق بشری بیشتر بر اثر فشار کشورهای

سوسیالیستی طی سال های ۱۹۶۰ - ۱۹۷۰ شکل گرفته و گسترش یافته است که پیش زمینه‌ای برای رشد و توسعه نسل سوم آموزش حقوق بشری بوده است (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۰: ۴۳-۴۱).

روند رو به گسترش بین‌المللی شدن آموزش حقوق بشری و توسعه ابعاد آن موجب ظهور نسل سوم آموزش حقوق بشری شد. در این رابطه، منشور آفریقایی آموزش حقوق بشری این حق را مشمول: حق بر توسعه؛ حق بر صلح و حق بر محیط زیست دانسته است که این نسل از آموزش حقوق بشری را با نسل‌های پیشین مرتبط کرده و آن را غیرمنفک از دیگر نسل‌ها نشان می‌دهد (آمنگست و همکاران، ۱۳۷۵: ۱۰۳). به‌طوری‌که، موارد مذکور نشان‌دهنده غایت و جهت‌گیری زندگی اجتماعی انسان‌ها بوده که پیش‌نیاز یک زندگی مطلوب است و هرچند، این پیش‌نیازها همیشه در حال تغییر و تحول می‌باشند؛ اما، رابطه تنگاتنگی با ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارند که در برگیرنده تمامی حقوق اجتماعی، سیاسی، مدنی و اقتصادی می‌باشند. لذا، حق خودمختاری و تعیین سرنوشت، حق دسترسی آزاد به منابع طبیعی، حق توسعه اقتصادی، حق زندگی در جهانی همراه با صلح و حق برخورداری از محیط زیست سالم را باید از حقوقی دانست که در نسل سوم آموزش حقوق بشری مورد توجه بوده و تحت عنوان "حقوق ملت‌ها" در منشور آفریقایی آموزش حقوق بشری و ملت‌ها تصریح شده است (برجنتال و همکاران، ۱۹۹۱: ۱۳۱).

در این بین، حق بر صلح یکی از ابعاد اصلی نسل سوم آموزش حقوق بشری است که منشاء عدم توجه به آن از سوی برخی کشورها آن را می‌توان عدم توسعه یافتگی و عدم رعایت آموزش حقوق بشری دانست. در این راستا، دبیر کل پیشین سازمان ملل اذعان می‌دارد که "منشاء تنازع و جنگ همه جانبه و عمیق است و برای مقابله با آن لازم است منتهای کوشش خود را برای افزایش احترام نسبت به آموزش حقوق بشری و آزادی‌های اساسی، ترویج توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی برای تمام آیندگان و تخفیف آلام و کاهش موجودی و کاربرد سلاح‌های مخرب به کارگیریم" (کوفی عنان، ۱۳۷۶: ۵). بر این مبنای، در بند ۹ بخش یکم اعلامیه آموزش حقوق بشری و برنامه وین مصوب ۱۹۹۳ بر لزوم پشتیبانی جامعه بین‌المللی از توسعه اقتصادی و اصلاحات دموکراسی در کشورهای توسعه نیافته تاکید داشته است و وجود فقر گسترده در کشورهای توسعه نیافته را مانع اصلی در برخورداری از آموزش حقوق بشری از جمله صلح و امنیت می‌داند (بند ۱۲ و ۱۴ برنامه وین) با اذعان به آنچه بیان شد، می‌توان نسل سوم آموزش حقوق بشری و ابعاد آن را یکی از مقولات مهم در کشورهای جهان دانست که در راستای توسعه صلح و همبستگی جهانی نقش به‌سزایی داشته و حق بر صلح یکی از ابعاد قابل توجه آن می‌باشد.

۴. جایگاه حق بر صلح در آموزش حقوق بشری و انعکاس آن در نقاشی‌های دوران انقلاب مشروطه

صلح، واژه‌ای است مبسوط که عموماً به معنای فقدان تجاوز و خشونت بوده و در مفهومی گسترده‌تر در برگیرنده سلامتی، روابط بهبود یافته بین فردی و بین‌المللی، امنیت در موضوعات رفاه اجتماعی یا اقتصادی و به رسمیت شناختن برابری و انصاف است. به‌عبارتی، هرگونه ناامنی، بی‌عدالتی اجتماعی، بی‌عدالتی اقتصادی، بنیادگرایی سیاسی،

^۱ UN Doc. A/ Conf. ۱۰۷/۲۳ (۱۹۹۳); ۳۲ I. L.M. ۱۶۶۱

مذهبی و ملی‌گرایی افراطی می‌توانند به نوعی منجر به نقض صلح شده و بر جایگاه کشورها در سطح داخلی و بین‌المللی تأثیرگذار باشند (بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد). در این راستا، در ماده ۱ منشور ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی یکی از اهداف اصلی سازمان ملل معرفی شده و اهدافی چون: توسعه روابط دوستانه؛ تحکیم همکاری بین‌المللی و هماهنگ ساختن فعالیت‌های ملل متحد به عنوان پله‌های صعود برای رسیدن به این هدف می‌باشند. لذا، حق بر صلح یکی از حقوق غیر قابل انکار می‌باشد که نه تنها، مربوط به انسان‌ها است؛ بلکه، به واحدها و مولفه‌هایی چون: دولت؛ مردم و گروه‌های انسانی و نهادها نیز مرتبط بوده و حق به زیستن یا وجود داشتن را برای آنان الزامی می‌کند. تمامی انسان‌ها، دولت و یا گروه‌های مختلف حق بقا داشته و همانطور که بیان شد، این حق در نهادهای حقوقی بی‌المللی نیز صریحا به رسمیت شناخته شده است (ناستاس، ۱۹۹۱: ۱۲۹۲).

بررسی مسئله حقوق بشر و آزادی در نقاشی‌های دوران قاجار حاکی از این است که فقدان این مقوله‌ها زمینه را برای پیدایی یک نقاشی اعتراضی به استبداد گشوده است. در تصویر شماره ۱ نمونه‌ای از این نقاشی که شاه قاجار و نماد استبداد را به تصویر کشیده است از جمله این آثار است.



تصویر ۱: نقاشی محمدعلی شاه در کنار شجره استبداد، در روزنامه گلستان. مأخذ: (افلاکی سورشجانی و دیگران، ۱۳۹۶).

نقاشی دیگری نیز از این شاه قاجار در این روزنامه منعکس شده است. در حقیقت هنرمندان ناشناس کوشیده اند تا با انتخاب این سبک از نقاشی، به فقدان آزادی و حقوق اولیه در نظام استبدادی قاجار اشاره کنند. تصویر شماره ۲، نیز محمدعلی شاه قاجار را به تصویر کشیده است.



تصویر ۲: محمدعلی شاه در کنار شجره استبداد، روزنامه گلستان سعادت، دوره قاجار. مأخذ: (افلاکی سورشجانی و همکاران: ۱۳۹۶)

پس، حق بر صلح را باید آمیزه‌ای از قوانین موجود و آرمان‌هایی قانونمند دانست که مربوط به تمامی مفاهیم بشری بوده و بر منابع حقوقی و مبانی اخلاقی و سیاسی مبتنی می‌باشند. مبانی اخلاقی حق به صلح که دارای ارزش‌های اخلاقی و سیاسی هستند، مشتمل بر حفظ بشریت، محیط زیست بشری، استقرار جامعه بشریت و لزوم رعایت حقوق و آزادی‌های بشری می‌باشند که حقوق بنیادین بشری در آن به صورت الزام آوری در آمده‌اند و می‌توان از آنها به عنوان مبانی قانونی و حقوقی برای حق بر صلح یاد کرد. به طوری که، تمامی اسناد آموزش حقوق بشریاز جمله؛ اعلامیه میثاق حقوق مدنی و سیاسی به مفهوم صلح اشاره داشته و شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان را آزادی، عدالت و صلح در جهان می‌دانند (بوتروس، ۱۹۹۲: ۳۸). از مضمون اعلامیه فوق می‌توان چنین استنباط کرد که تحقق مصادیق آموزش حقوق بشری و شناسایی و عینیت یافتن آنها به معنای پیش شرط‌های تحقق صلح است و به عبارتی، تحقق مصادیق آموزش حقوق بشری تضمین‌کننده حق بر صلح در جامعه بین‌الملل می‌باشند. صلح شرط بهره‌مندی کامل از فرهنگ و هویت در جوامع می‌باشد که رابطه تنگاتنگی با مقوله کرامت بشری داشته و بدون به رسمیت شناختن کرامت بشری و حفظ آن، تحقق صلح امکان‌پذیر نمی‌باشد. لذا، توسعه صلح پایدار در حیطه روابط بین‌المللی و داخلی کشورها را باید قلب فعالیت‌های سازمان ملل متحد و به عنوان مقدس‌ترین هدف آن قرار داد.^۲

در دوره مشروطیت، گونه‌ای دیگر از نقاشی نیز رواج یافت که ابزاری برای بیان اعتراض به استبداد و ظلم بود. این نوع نقاشی، نقاشی قهوه‌خانه‌ای بود. تصویر شماره ۳، نمونه‌ای از این نوع نقاشی روایت‌گر است که در ترویج روح عدالت خواهی و مبارزه با استبداد مؤثر بوده است.

^۲ The International covenant on Civil and Political Rights (ICPR), ۱۹۶۶.



تصویر ۳: نقاشی پرده درویشی اثر حسین دستخوش همدانی، دوره قاجار. مأخذ: (زارعی و همکاران: ۱۳۹۷)

این نوع نقاشی که تصاویر مربوط به حادثه کربلا را یکی از انواع موضوعات حماسی برگزیده بود در حقیقت با تکیه بر این سبک و مضمون تلاشی برای نوعی مبارزه با استبداد و دستیابی به آزادی در دوره مشروطیت بوده است.



تصویر ۴: نقاشی مبارزه علی‌اکبر در کربلا، اثر حسن اسماعیل زاده، دوره قاجار. مأخذ: (زارعی و همکاران: ۱۳۹۷)

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان صلح را یکی از ملزومات جهان امروز دانست که حق برخورداری از آن از ملزومات دارا بودن جهانی سالم و به دور از تبعیض و نابرابری است. بر طبق اساسنامه یونسکو، "هدف سازمان مشارکت برای صلح و امنیت به وسیله ارتقاء میان ملل از طریق آموزش، دانش و فرهنگ به منظور احترام جهانی بیشتر به عدالت به واسطه حاکمیت قانون و تحقق آموزش حقوق بشری و آزادی‌های اساسی می‌باشد" (ماده ۱ اساسنامه) که نشان‌دهنده جایگاه خاص صلح جهانی در راستای حمایت از حقوق انسان‌ها می‌باشد. در این رابطه، یکی از موارد متضمن برقراری صلح در جوامع، اعمال برابری و دموکراسی است. به طوری که، اگر جامعه‌ای تصمیمات خود را به نحوی دموکراتیک، علنی و بر مبنای عدالت اتخاذ کند، جان و مال اعضای خود را در راه هر آرمانی به کار نمی‌گیرد و به عبارتی، استبداد و

خودکامگی که مقدمه ای برای عدم برقراری صلح در جوامع می‌باشد، از جامعه محو می‌شوند (فرانک، ۱۹۹۵: ۱۳۵). برقراری عدالت و برابری در جوامع چه در سطح داخلی کشورها و چه در سطح بین‌المللی متضمن برقراری صلح بوده و حق بر صلح به عنوان یکی از مهمترین اهداف جامعه بین‌المللی مطرح کرده است. لذا، بررسی نقش دولت‌ها به اخص دولت ایران در تضمین حق بر صلح و حمایت از حقوق افراد را باید یکی از موارد قابل تأمل در حیطه بحث فوق دانست که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۵. تضمین حق بر صلح و نقش حمایت از حقوق شهروندی

همانطور که بیان شد، حق بر صلح یکی از آموزش حقوق بشری می‌باشد که نیازمند توجه هرچه بیشتر از سوی مسئولین را دارد. در این رابطه، دولت‌ها دارای عملکردی می‌باشند و نقش بسزایی در حمایت از حقوق افراد در راستای حفظ صلح و آرامش دارند که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

حقوق شهروندی عموماً ریشه در اندیشه انسان محور غرب دارد و لذا، در تبیین ماهیت آن مبانی اندیش ای بشر محور کاملاً نمایان است (سیمود، ۱۳۸۳، به نقل از فلاح‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۸). بر مبنای این رویکرد، شهروند کسی است که شایستگی مشارکت و قدرت قانون‌گذاری یا قضاوت را دارد و (برناردی، ۱۳۸۳، به نقل از فلاح‌زاده، ۱۳۸۶: ۵۱). حقوق شهروندی مفهومی است که شهروند را برخوردار از حق رأی، تصدی سمت‌های سیاسی، بهره‌مندی از برابری در مقابل قانون و استحقاق بهره‌مندی از مزایا و خدمات مختلف حکومتی می‌داند (فلاح‌زاده، ۱۳۸۶: ۵۹). در اندیشه اسلامی نیز، حقوق شهروندی حقوقی اجتماعی برای افراد محسوب می‌شود که مبین حقوق آنها در مقابل سایر بازیگران اجتماعی به خصوص دولت است. از منظر اسلام، ماهیت حقوق شهروندی بر اساس مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی و منبعث از خداوند و مبتنی بر فطرت نوعی وی است و در مقابل این حقوق برای انسان تکالیفی مشخص شده است که مغایر با آزادی مطلق انسان‌ها در جامعه می‌باشد. (آیه ۵۱ سوره هود) بر این مبنای می‌توان حقوق شهروندی را ماهیتی دانست که در مقابل بی‌عدالتی و نابرابری نسبت به انسان‌ها بوده و بر لزوم حفظ امنیت، احترام و صلح در بین جوامع چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح داخلی تأکید دارد.

با پیروزی انقلاب مشروطه و تدوین نخستین قانون اساسی در ایران نیز، فصلی تحت عنوان "حقوق ملت" مورد تدوین قانونگذار قرار گرفت که ۱۸ اصل را به مهمترین حقوق فردی و شهروندی اختصاص داده بود. بر مبنای اصول مذکور، تمامی شهروندان و اتباع ایرانی از حقوق شهروندی و حمایت‌های قانونی یکسانی برخوردار بودند (بوشهری، ۱۳۴۹: ۳۳۲ به بعد) که در این میان دو نکته حائز اهمیت می‌باشد. اولین نکته را باید تأکید قانونگذار بر لزوم برخورداری تمام شهروندان ایرانی از حقوق و امتیازات فردی و شهروندی یکسان دانست. براساس اصول هجده گانه قانون اساسی، تمامی اقلیت‌های قومی، نژادی، مذهبی از امتیازات عمومی حقوق شهروندی برخوردارند و به عبارتی، تمامی مردم و اهالی مملکت حقوق فردی و شهروندی برابری را دارند. این نگرش نه تنها با قوانین اساسی جدید در کشور ایران تطبیق داشت؛ بلکه، در آموزه های اسلامی نیز ریشه داشته است. برای نمونه؛ بر اساس اصل ۸ از قانون اساسی: "اهالی مملکت

ایران در مقابل قانون دولتی متساوی‌الحقوق خواهند بود." همچنین، دومین نکته حائز اهمیت، جامعیت نسبی حقوق شهروندی در قانون اساسی فوق‌الذکر می‌باشد. در اصول هجده گانه مربوط به حقوق ملت، مهمترین حقوق شهروندی با رعایت فراگیر بودن و عمومیت مورد ملاحظه واقع شده و از برخی حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی نیز سخن به میان آمده است.

همان‌طور که بیان شد، حقوق شهروندی یکی از مفاهیم مورد توجه در نظام حکومتی ایران می‌باشد که در طی تاریخ تدوین قوانین اساسی در ایران حائز اهمیت بوده و به نوعی بر لزوم حفظ امنیت، آرامش و حرمت افراد جامعه تاکید داشته است. بطوریکه، در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ نیز اصل برخورداری از حقوق برابر و مساوی بین تمامی افراد جامعه مورد توجه بوده و رنگ، نژاد، زبان و غیره سبب امتیاز و برتری بر یکدیگر نخواهد بود (اصل ۱۹ قانون اساسی) با استناد به مضمون اصل مذکور در رابطه با حقوق شهروندی و اصولی دیگر چون: اصل امنیت فردی؛ (اصل ۳۲ قانون اساسی) اصل مصونیت مسکن و آزادی در انتخاب محل سکونت؛ (اصل ۲۲ قانون اساسی) اصل آزادی در انتخاب شغل؛ (اصل ۲۷ قانون اساسی) حقوق قضائی شهروندی (اصول ۳۴ الی ۳۹ قانون اساسی) و غیره می‌توان، حقوق شهروندی در قانون اساسی ایران را منطبق با حقوق شهروندی پذیرفته شده در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دانست که تمامی کشورها را متعهد کرده است تا بدون هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و غیره حقوق یکسانی برای تمامی افراد پیش‌بینی کنند و مؤلف‌هایی چون: حق آزادی؛ انتخاب شغل؛ حمایت در برابر بیکاری؛ دریافت دستمزد مساوی؛ دریافت پاداش منصفانه؛ حق داشتن مسکن؛ حق تشکیل سندیکاهای صنفی و عضویت در آنها؛ حق استفاده از بهداشت عمومی و خدمات اجتماعی؛ حق تحصیل و کارآموزی حرفه‌ای و حق مشارکت در فعالیتهای فرهنگی را به عنوان ابعاد لازم الاجرای حقوق شهروندی به شمار آورند (امیر ارجمند، ۱۳۸۱: ۱۴۸-۱۳۵).

از نظر برخی حقوق شهروندی دارای ۴ بعد فردی، اجتماعی، مکانی و زمانی است که بعد فردی بر گسترش توانایی فردی و تعهد نسبت به اصول اخلاق و رفتاری تاکید دارد، بعد اجتماعی بر توانایی فرد در ایجاد رابطه ای توأم با احترام در مذاکرات به منظور مشارکت در زندگی عمومی و فائق آمدن بر مسائل و مشکلات تاکید دارد، بعد مکانی در حیطه چند جامعه محلی، ناحیه ای، ملی و چند فرهنگی، عمل می‌کند و بعد زمانی بر این موضوع تاکید دارد که شهروندان نباید خود را خیلی در زمان حال محدود کنند و از تحلیل گذشته و آینده غافل بمانند (فتحی اجارگاه و همکاران، ۱۳۸۸: ۷-۱۰).

در این بین، حقوق شهروندی به اخص در بعد اجتماعی، می‌تواند با ماهیت حق بر صلح و لزوم ایجاد همبستگی بین افراد در راستای ایجاد صلح پایدار، همسو و همجهت باشد و به عبارتی، رابطه‌ای دو جانبه و تاثیرگذار را نسبت به یکدیگر داشته باشند. به طوری که، برخورداری از حقوق شهروندی در ابعاد مختلف خود مستلزم دارا بودن توانایی‌هایی چون: مواجهه با مشکلات به عنوان عضوی از یک جامعه جهانی؛ فعالیت مشارکتی با دیگران؛ عهده‌دار شدن مسئولیت

برای وظایفی که در جامعه وجود دارد؛ توانایی حل تعارض در یک بستر عاری از خشونت؛ اتخاذ شیوه زندگی که پاسدار و حامی ویژگی های محیطی است؛ احترام و دفاع از آموزش حقوق بشری و غیره از سوی افراد جامعه می باشد که در صورت عدم دارای بودن مولفه های فوق، حق بر صلح و آرامش که یکی از مهمترین ارکان آموزش حقوق بشری می باشد؛ گرفتار آسیب های متعددی شده و به نوعی استقرار آن در جوامع چه در سطح داخلی کشورها و چه در سطح بین المللی دچار لغزش می شود.

بر مبنای آنچه بیان شد، تحصیل آرامش و حفظ حرمت افراد که در پیوند با تأمین امنیت آنها و حفظ صلح در جامعه می باشد، رابطه تنگاتنگی با مفهوم حقوق شهروندی و لزوم برخورداری از آن در جوامع داشته که در رابطه با این مقوله مهم، نظام های حکومتی بیشترین مسئولیت را دارا می باشند (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸: ۳۱۷). حفظ حقوق شهروندی، تأمین امنیت در جامعه و برقراری صلح و آرامش معیارهایی برای سنجش عملکرد دولت ها به شمار می آیند و دولت را مکلف به اعمال تعهداتی در راستای دستیابی به موارد مذکور می کنند. لذا، عملکرد دولت و وظایف آن در احترام، حمایت و تضمین حق بر صلح یکی از موارد مهم و قابل تامل می باشد که نیاز به بحث و بررسی دارد.

۶. سازوکار دولت در حمایت از حقوق شهروندی و تضمین حق بر صلح

همان طور که پیشتر بیان شد، حقوق شهروندی یکی از مفاهیم در حیطه حقوق عمومی می باشد که ارتباط تنگاتنگی با مفهوم حق بر صلح داشته و تاثیر به سزایی بر گسترش آرامش و احترام به نوع بشر دارد. از این رو، نه تنها مجامع بین المللی بر لزوم برقراری صلح و امنیت در جوامع تأکید داشته و قوانینی را در این رابطه تدوین کرده اند؛ بلکه، دولت ها نیز در این رابطه قوانینی را وضع کرده اند. در این بین، قانونگذار ایران با تأکید بر لزوم رعایت حقوق شهروندی به وضع قوانینی در این راستا پرداخته و در این خلال، مواردی چون: حق بر آزادی و برابری؛ حق داشتن امنیت؛ حق آزادی عقاید و غیره را از اهمیت خاصی برخوردار دانسته است.

عدم تعرض به جسم و جان و حفظ امنیت انسان ها یکی از موارد مهم و قابل تامل در تمامی نظام های حقوقی می باشد که هرگونه تعرض و تجاوز همچون: قتل؛ جرح؛ ضرب؛ توقیف؛ حبس؛ تبعید؛ شکنجه و سایر اعمال غیرقانونی و خودسرانه یا اعمالی که منافی شئون و حیثیت انسانی همچون: اسارت؛ تملک و بردگی؛ فحشا و غیره را منع کرده (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۸: ۵۷) و به عبارتی، بر لزوم در امان بودن جسم و جان افراد از آسیب ها و خشونت های شخصی (برنامه توسعه سازمان ملل، ۱۹۹۴) تأکید داشته است. لذا، حفظ امنیت فردی و اجتماعی افراد را می توان یکی از ملزومات برقراری صلح و آرامش در سطح داخلی کشورها و حتی، در سطح بین المللی دانست که از وظایف اصلی دولت ها بوده و دارای مبانی به شرح زیر می باشد:

۱. حق حیات: حق حیات یکی از مبانی فلسفی در راستای تبیین تعهد دولت به حفظ امنیت انسان ها می باشد که جلوه ای از ارزش حیات انسانی بوده و دولت را ملزم به رعایت امنیت اتباع خویش و همچنین، حفظ امنیت آنان در برابر تعدیات اشخاص ثالث می کند. با توجه به این امر که در سایه امنیت، شهروندان می توانند از

حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی بهره‌مند شوند، تضمین امنیت افراد از تکالیف دولت‌ها محسوب شده (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۱: ۱) و لذا، حفظ و حراست از حیات نوع بشر به عنوان نخستین مبنای وظیفه دولت‌ها برشمرده می‌شود.

۲. حفظ کرامت انسانی: از دیگر مبانی فلسفی در راستای تبیین تعهد دولت به حفظ امنیت انسان‌ها حفظ کرامت انسانی است که با گسترش روزافزون آموزش حقوق بشری، گسترش یافته است. بر مبنای ماهیت کرامت انسانی می‌توان تمامی انسان‌ها فارغ از نژاد، دین، جنسیت و غیره را لازم الاحترام دانست که ذاتا و تنها به جهت انسان بودن از این حق برخوردار می‌باشند (ماده ۱ و مقدمه اعلامیه جهانی آموزش حقوق بشری) لذا، هرگونه نقض در تامین امنیت انسان‌ها می‌تواند بر کرامت انسانی آنها صدمه وارد کرده و به نوعی در اعمال وظیفه دولت در این رابطه خلل ایجاد کند.

۳. امنیت فردی، لازمه توسعه و پیشرفت: از نظر برخی از صاحب‌نظران، یکی دیگر از مبانی فلسفی در راستای تبیین تعهد دولت‌ها به حفظ امنیت افراد توجه مسئولان به امر توسعه و پیشرفت جامعه می‌باشد که به نوعی با امنیت افراد جامعه مرتبط است. به‌طوری‌که، از نظر برخی، گرچه دولت‌ها در آغاز برای حفظ امنیت، برقراری نظم و اجرای عدالت پدید آمده بودند؛ اما، به تدریج و با گسترش حوزه وظایف دولت‌ها، توسعه و پیشرفت نیز به وظایف آنها افزوده شد و سبب شد تا امروزه حقوق دانان توسعه و پیشرفت در کنار برقراری نظم و اجرای عدالت را از اهداف و وظایف دولت‌ها برشمرند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۴۹-۱۵۰) لذا، پیشرفت و توسعه جامعه یکی از وظایف مهم دولت به شمار می‌آید که نه تنها توسعه اقتصادی را شامل می‌شود؛ بلکه، مضامینی چون: رهایی از ترس؛ کاستن از خشونت و کاستن از فقر را نیز در بر می‌گیرد (بانک جهانی، ۲۰۰۱). در این راستا، دولت موظف است تا با قوانینی شفاف و پاسخ‌گو، مشارکت مردمی، حفاظت از آموزش حقوق بشری و آزادی‌های مدنی بر نحوه انتخاب شدن دولتمردان و اعمال قدرت آنها نظارت داشته باشد (پومرانت، ۲۰۱۱: ۱۶۰-۱۶۱) و به این ترتیب، در حوزه توسعه و پیشرفت تأثیرات مثبتی را اعمال کند.

با توجه به آنچه بیان شد، بدون شک یکی از مهم‌ترین پیش شرط‌ها و زمینه‌های لازم برای پیش برد توسعه در جوامع، وجود امنیت برای تک تک افراد می‌باشد. به‌طوری‌که، تحقق توسعه بر مبنای شأن و مقام آدمی و اختصاص اولویت در اقدامات دولت بر مبنای گسترش عدالت و برابری در جامعه شکل گرفته و حفظ امنیت و آرامش برای مردم موجبات توسعه و پیشرفت در جهت رفع نیازهای اولیه انسانی را تحقق می‌بخشد.

۴. حق بر امنیت: از دیگر مبانی در جهت تبیین تعهد دولت‌ها حق بر امنیت می‌باشد که بیشتر جنبه حقوقی داشته و از زمان پدیداری دولت‌های مدرن و نگرش مدرن به افراد جامعه از جایگاه خاصی برخوردار شده است. در این راستا، نظام حکومتی کشورها قوانینی خاص را برای حفظ جنبه‌های گوناگون امنیت افراد وضع کرده‌اند که برای نمونه؛ می‌توان به تصریح مصونیت جان، مال، حقوق، مسکن و شغل افراد از تعرض در اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و یا اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم به عنوان یکی از وظایف قوه قضائیه در اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. لذا، حق بر امنیت شخصی

را باید همواره یکی از مهمترین و بنیادترین حقوق انسانی دانست که در قوانین اساسی بسیاری از کشورها از جمله ایران مورد توجه بوده است.

۵. حق بر تأمین: از دیگر مبانی تعهد دولت‌ها در راستای حفظ امنیت که در بعد حقوقی در خور توجه می باشد، حق بر تأمین امنیت افراد است که با جهانی شدن مفهوم آموزش حقوق بشری، ماهیتی فراگیر و بین‌المللی یافته است. به طوری که، در اعلامیه جهانی آموزش حقوق بشری مواردی چون: حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی؛^۳ (ماده ۳ اعلامیه جهانی آموزش حقوق بشری) ممنوعیت شکنجه یا مجازات یا رفتار ظالمانه یا برخلاف انسان و شئون بشری یا موهن^۴ (ماده ۵ اعلامیه جهانی آموزش حقوق بشری) و ممنوعیت حبس، توقیف یا تبعید^۵ (ماده ۹ اعلامیه جهانی آموزش حقوق بشری) تصریح شده و به عبارتی، تأمین امنیت جان و جسم افراد از هرگونه آزار و شکنجه از وظایف اصلی دولت‌ها بر شمرده شده است. لذا، دولت‌ها مکلفند تا با تأکید بر لزوم برخورداری انسان‌ها از حق بر تأمین امنیت، نه تنها از تعدی مسئولین حکومتی بر امنیت شهروندان و نقض امنیت فردی جلوگیری کنند؛ بلکه، به گسترش حفاظت از آرامش، امنیت و حرمت انسان‌ها پرداخته و صلح و پایداری در جوامع به عنوان یکی از حقوق مهم بشری را ایجاد کنند.

با توجه به آنچه بیان شد، باید اذعان داشت که حفظ امنیت انسان‌ها یکی از تعهداتی است که بر عهده دولت‌ها بوده و در این رابطه، مبانی که پیشتر به آنها اشاره شد، مورد توجه می‌باشند. در این بین، نقض امنیت انسان‌ها در سطح بین‌المللی نیز یکی از معضلات ناشی از عدم توجه دولت‌ها به این امر است که شایعترین شکل آن مخاصمات مسلحانه و بروز جنگ بین کشورها می باشد و وظایفی را از سوی دولت‌ها می‌طلبد. به این منظور، مجامع بین‌المللی به وضع قوانینی در راستای حل و فصل اختلافات دست زده‌اند که تشکیل سازمان ملل و تدوین قوانین مرتبط با آموزش حقوق بشری در راستای پیشگیری از وقوع هر گونه جنگ و درگیری بین کشورها را شامل می‌شود. در این راستا، در مقدمه منشور ملل متحد بر لزوم محفوظ نگه داشتن نسل‌های آینده از بلایای جنگ تأکید شده و طی بند ۱ ماده ۱ از این منشور به عمل آوردن اقدامات جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات بر ضد صلح و فراهم آوردن موجبات حل و فصل اختلاف بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح شود، به هدف حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از مهمترین اقدامات دولت‌ها در جهت برقراری عدالت و پیشگیری از پدید آمدن مخاصمات مسلحانه در حقوق بین‌الملل به شمار می‌آید.

از این رو، در راستای حفظ امنیت نوع بشر و جلوگیری از هر نوع جنگ و خونریزی دولت‌ها موظفند تا قواعدی را در جهت حل و فصل مخاصمات مسلحانه رعایت کنند و از حیث نوع رفتار انسانی تفاوتی میان شهروندان یک دولت با

^۳ ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: "هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد."

^۴ ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: "احدی را نمی توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا بر خلاف انسانیت یا شئون بشری یا موهن باشد."

^۵ ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: "احدی را نمی توان خود سرانه توقیف، حبس یا تبعید نمود."

اتباع دیگر دولت‌ها وجود ندارد. لذا، بسیاری از اسناد بین‌المللی به صراحت دولت‌ها را ملزم به رفتاری انسانی با اسیران و مجروحان جنگی کرده و چنین مقرر داشته‌اند که "اگر کسی مستقیماً در جنگ شرکت نداشته باشد و همچنین، نیروهای مسلحی که اسلحه به زمین گذاشته باشند یا کسانی که به علت بیماری یا زخم یا اسارت یا هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند، در همه احوال بدون هیچ گونه تبعیض که ناشی از نژاد، یا رنگ، یا عقیده، جنس، اصل و نسب یا ثروت یا هر علت مشابه آن باشد با اصول انسانیت رفتار شود." (ماده ۳ قرارداد ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی مصوب ۱۹۴۹) طی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ نیز، دولت‌ها از وارد کردن هرگونه لطمه به حیات یا تمامیت بدنی افراد طی بروز جنگ منع شده و رعایت حرمت انسان‌ها و احترام به حقوق آنها از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. به علاوه، اسناد مهم دیگری نظیر: قطعنامه آموزش حقوق بشری در منازعه مسلحانه مصوب ۱۹۶۸، ممنوعیت استفاده از مین‌های ضد نفر مصوب سپتامبر ۱۹۹۷ و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در این رابطه وجود دارند که مقوله حفظ امنیت و احترام انسانی را مورد توجه قرار داده‌اند. توجه به ماهیت قواعد بشر دوستانه و تأکید بر حفظ امنیت افراد نظامی و غیر نظامی یکی از مواردی است که در اغلب معاهدات و قطعنامه‌های بین‌المللی قابل مشاهده بوده و برای نمونه؛ در ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بر لزوم ساماندهی حملات نظامی صرفاً علیه نظامیان طرف مقابل متخاصم تأکید شده و جرم‌انگاری حمله عمدی به جمعیت غیرنظامی یا علیه افراد غیرنظامی که نقش مستقیمی در درگیری ندارند، به عنوان یک جرم جنگی پذیرفته شده است.

در مجموع، تمامی دولت‌ها موظفند که با حفظ حرمت انسانی و تکریم ارزش‌های انسانی از حقوق شهروندان چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی دفاع کرده و از هر گونه جنگ و مخاصمه مسلحانه جلوگیری به عمل آورند. حفظ کرامت انسان‌ها در برابر هر گونه بی‌عدالتی و جلوگیری از ارتکاب جرایم جنگی یکی از تعهدات دولت در راستای حفظ امنیت و حرمت نوع بشر است که نیازمند برنامه‌ریزی و هدفمندی بیشتری می‌باشد تا به برقراری صلح پایدار به عنوان یکی از حق‌های بشری منجر شود.

نتیجه‌گیری

مقوله صلح را باید یکی از مقولات مهم در حیطه حقوق بین‌الملل و حتی حقوق داخلی کشورها دانست که در اسناد آموزش حقوق بشری جایگاه خاصی دارد و تحقق مصادیق آموزش حقوق بشری و شناسایی و عینیت یافتن آنها به معنای پیش‌شرط‌های تحقق صلح است. به طوری که، زمانی می‌توان از صلح پایدار سخن گفت که کلیه زمینه‌های بروز نقض صلح از بین رفته باشند و پیش‌زمینه‌های لازم برای برقراری صلح در سطح ملی و بین‌المللی کشورها اعمال شوند. همچنین، باید خاطر نشان کرد که اعمال حق بر صلح به عنوان یکی از حقوق اصلی نسل سوم آموزش حقوق بشری نه تنها نیازمند به اجرای پیش‌شرط‌هایی در سطح ملی و بین‌المللی می‌باشد؛ بلکه، خود نیز دارای مرتبه‌ای والا در بین سایر حقوق است و به نوعی پایه و اساس دیگر حقوق به‌شمار می‌آید. به طوری که، برای رسیدن به توسعه پایدار در جهان هستی، داشتن محیط زیستی سالم، داشتن ارتباطات مناسب با افراد و حتی ارائه کمک‌ها و امدادهای بشر دوستانه، برپایی صلح در جوامع از ضروریات بوده و در صورت نبود صلح و امنیت بین کشورها در سطح خارجی در یا

در داخل کشورها در سطح بین‌المللی نمی‌توان به هیچ یکی از حقوق مطرح شده دست یافت. لذا همانطور که بیان شد، علاوه بر مجامع بین‌المللی بسیاری از مجامع منطقه‌ای و داخلی کشورها نیز بر اهمیت حق بر صلح تاکید داشته و در قوانین خود این مقوله را از مولفه‌های اصلی حقوقی دانسته‌اند. قانونگذار ایران نیز با تدوین قوانینی چون: آیین دادرسی کیفری؛ قانون اساسی؛ قانون مدنی و منشور حقوق شهروندی به این مهم پرداخته و در خلال حق‌هایی چون: آزادی؛ عدالت؛ برابری؛ امنیت؛ آرامش، بر حق بر صلح نیز تاکید داشته است. لذا، قانونگذار ایران به مقوله صلح توجه خاصی داشته و در تلاش بوده است تا با احترام و حمایت از حقوق و امنیت شهروندان به تضمین حق بر صلح در کشور چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی بپردازد. رسیدن به یک مدل ملی حافظ صلح و زیست مسالمت آمیز تنها از طریق ایجاد چارچوب هنجاری شهروندمدار و کرامت باور ایرانی اسلامی و همچنین، سازگار با نظام هنجاری ایران محقق می‌شود. در این راستا، منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ دولت را در رسیدن به هدف تضمین صلح یاری کرده و برای ایجاد آرامش و همبستگی ملی رعایت حقوق شهروندان را به عنوان برنامه و خط مشی دولت رهنمون می‌سازد؛ هرچند که قوانینی دیگر چون قانون اساسی نیز در این رابطه دارای عملکرد قابل قبولی می‌باشند. جامعه ما در شرایطی است که از میزان نقض آموزش حقوق بشری در آن کم نیست و خشونت و بی‌نظمی در برخی از شرایط از مواردی است که بسیاری از افراد جامعه را رنج می‌دهد. بی‌حرمتی به حقوق مردم و عدم توجه به خواسته‌های یکدیگر سبب بروز بسیاری از مسائل قانونی بین افراد جامعه شده و کثرت مراجعت به دادگاه‌ها را می‌توان به این دلیل دانست. در این بین، عدم اعتماد افراد به برخی عملکردهای دولت و عدم توجه به مبانی اصلی حقوقی در کشور، موجب شده است تا مقوله امنیت و آرامش در جامعه دستخوش تهدید شده و این امر می‌تواند به برپایی صلح پایدار نیز صدمه وارد کند. لذا، راه حل برقراری صلح و آرامش و محکم کردن پایه‌های آن در ایران متکثر از پاسداشت حقوق شهروندی است که تحقق‌پذیری منشور حقوق شهروندی می‌تواند ثبات، امیدواری، نشاط و اعتماد، رواداری و خشونت پرهیزی و مسالمت‌جویی را تضمین کند. اعمال قوانین به طور کامل و توجه به حقوق افراد در جامعه از جایگاه خاصی برخوردار بوده و نیاز به دقت عمل بیشتری دارد. لذا، باید چنین اذعان داشت که اعمال درست و مناسب تعهدات دولت در احترام و حمایت از حقوق و امنیت شهروندان، بدون شک تضمین‌کننده حق بر صلح چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی خواهد بود. سیاست‌گذاری مناسب از سوی دولت در جهت اعمال قوانین موجود و توجه هر چه بیشتر به تک تک افراد جامعه در ایران از جمله مواردی است که باید توسط دولت مورد توجه قرار گرفته و در راستای، حفظ کرامت و ارزش انسان‌ها بیشترین تلاش به عمل آید.

منابع

کتاب‌ها

- امیرارجمند، اردشیر. (۱۳۸۱). مجموعه اسناد بین‌المللی آموزش حقوق بشری، جلد ۱، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- برونو، برناردی. (۱۳۸۳). مردم‌سالاری در تاریخ و اندیشه غرب، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر نی
- بوشهری، جعفر. (۱۳۴۹). کلیات و حقوق اساسی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پژوهشکده مطالعات راهبردی. (۱۳۷۸). گزیده مقالات سیاسی - امنیتی، جلد ۱، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سیمود، مارتی نلیپیست. (۱۳۸۳). دایره‌المعارف دموکراسی. ترجمه کامران فانی و نوراله مرادی، جلد ۲، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۸۸). آزادی‌های عمومی و آموزش حقوق بشری، چاپ ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فتحی واجارگاه، کورش؛ واحد چوکده، سکینه. (۱۳۸۸). آموزش شهروندی در مدارس، تهران: نشر آیین.
- قاری سید فاطمی، سید محمد. (۱۳۹۰). آموزش حقوق بشری در جهان معاصر: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، چاپ ۳، تهران: انتشارات شهر دانش.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). مبانی حقوق عمومی، چاپ ۳، تهران: نشر میزان.
- کوفی عنان. (۱۳۷۶). سخنرانی دبیر کل سازمان ملل متحد به مناسبت پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی آموزش حقوق بشری در دانشگاه تهران در ۱۰ دسامبر ۱۹۹۷، تهران: نمایندگی سازمان ملل متحد در تهران.
- مهرپور، حسین. (۱۳۸۳). نظام بین‌المللی آموزش حقوق بشری، چاپ ۲، تهران: انتشارات اطلاعات.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۱). درباره امنیت‌شناسی، دیپاچه بر مدیریت انسان مدار یک جرم، سودابه رضوانی، تهران: نشر میزان.
- هابز، توماس. (۱۳۸۳). لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، چاپ ۳، تهران: انتشارات نشر نی.

مقالات

- آگمنت، کارن؛ دارکینتن، کریچ پ. (۱۳۷۵). "تأثیر فرهنگ در مذاکرات چند جانبه"، ترجمه محمد علی شکوری، فصلنامه مطالعه سازمان ملل متحد، شماره ۲ و ۳.
- افلاکی سورشجانی، میلاد؛ سپهران، کامران و مریدی، محمدرضا. (۱۳۹۶). «بررسی جهت‌گیری نظام نقاشی در دوران انقلاب مشروطه»، هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۲۲.
- زارعی، کریم؛ شاملو، غلامرضا. (۱۳۹۷). «تبیین نقش تأثیرگذار قهوه‌خانه در جریان شکل‌گیری نقاشی قهوه‌خانه‌ای»، مطالعات باستان‌شناسانه، ش ۵، صص ۱۴۳-۱۵۹.
- فلاح‌زاده، علی محمد. (۱۳۸۶). نسبت حقوق شهروندی و آموزش حقوق بشری، نشریه حقوقی دادگستری تهران، شماره ۵۸.

منابع لاتین

- Alston, P. (۱۹۸۴). Conjuring up new Human Rights: A Proposal for Quality Control, *American Journal of International Law*, ۷۸ (۱).
- Boutros, B. G. (۱۹۹۲). *An Agenda for Peace: Preventive diplomacy, peacemaking and peace-keeping*, United Nations.
- Buergenthal, T., Kiss, A. (۱۹۹۱). *la protection internationale des droits de l'homme*, Kehl, Editions N. P. Engel.
- Denters, E. (۱۹۹۲). *the Right to Development in International Law*, London: Martinu Nijhoff.
- Douglas, R. (۲۰۰۳). *the Human Right to Peace*, Toronto: Novalis Press.
- Epps, V. (۱۹۹۸). *Peace and Democracy: The Link and the Policy Implications*, *ISLA Journal of International and Comparative Law*, ۴(۲).
- Forsythe, D. P. (۱۹۹۳) *human rights and peace: international and national dimensions*, University of Nebraska Press: Lincoln.
- Franck, T. M. (۱۹۹۵). *Fairness in International law and institutions*, England: Oxford.
- Kooijmans, P. H. (۱۹۹۰). *Human Rights – Universal Panacea? Some Reflections on the so-called Human Rights of the Third Generation*, *Netherlands International Law Review*, ۳۷(۳).

Kirchner, S. (۲۰۰۴). the Human Rights Dimensions of International Peace and Security: Humanitarian Intervention after ۹/۱۱, Journal of Humanitarian Assistance.

Nastase, A. (۱۹۹۱). The Right to Peace, in Mohammed Bedjaoui: International Law Achievements and Prospects, Paris: UNESCO.

Pomerantz, P. R. (۲۰۱۱). Development Theory, London: SAGE Publications.

Sabine, G. H., Thomas, L.T. (۱۹۷۳). A History of Political Theory, ۴th ed, Oxford and I.B.H. Publishing Co: New Delhi Press.

Vasak, K. (۱۹۷۸). les demensions internatinals des droits de l'homme, Manuel destine a l'enseignement des droits de l'homme dans les universities, Paris: Imprime Par Snoeck-Ducaju & Fils, Gand(Belgique).

United Nations Development Programme. (۱۹۹۴). Human Development Report, New York: Oxford University Press

World Bank. (۲۰۰۱). World Development Report, New York: Oxford University Press

